رفع اتهـــام

از

دولت اسلام

جمع و گردآوری:

صـــــــديق كـــــــردى

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله و الحمد لله رب العالمین و الصلاة والسلام علی خیر خلق الله محمد و علی آله و أصحابه الی یوم الدین ، أما بعد؛

این رساله، کلامی مختصر در بیان اصول و نهج و سلوک خوارج و شکشتن حجتِ افتراء زنندگانی که علیه دولت اسلام افتراء بسته و بدون هیچ برهان و سلطانی سخن می گویند و مجاهدان را به خوارج بودن متهم می کنند و جانب انصاف و عدالت را در این رای و سخن خود رعایت نمی کنند؛ الله متعال می فرماید: {وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ**}؛ و هنگامی که سخن می گویید، عدالت را رعایت نمایید، هرچند که علیه نزدیکانتان باشد. (152/الأنعام)، امام طبری رحمة الله علیه در تفسیر این آیه می فرماید: هنگامی که میان مردم قضاوت می نمایید و سخن می گویید، پس حق را گفته و درست قضاوت کنید و عدالت را رعایت کرده و انصاف نموده و ظلم نکنید! حتی اگر این حق علیه نزدیکان شما باشد! نزدیکی فامیل و دوستی دوست، سبب نگردد که شما در هنگام قضاوت بین مردم، غیر حق را بگویید! (تفسیر طبری 225/12)**

از الله متعال در امان ماندن از خوارج و عقیده خوراج را می طلبیم و همچنین از الله متعال می طلبیم که؛ ما را علمی نافع و بیانی سالم از عقیده و آراء اهل بدعت نصیب کرده و ما را

کلیدهایی برای خیر و قفل هایی برای شر نماید، چراکه الله برای هر چیزی تواناست و برای هر دعایی شنواست.

"فصل"

"کلام باید همراه با علم و عدالت باشد"

در صفحات قبل اشاره به قول رب العالمین جل جلاله و تفسیر امام طبری رحمة الله علیه از این آیه نمودیم، حال قبل از اینکه در بیان اصول خوارج داخل شویم، لازم است بعضی نصایح را یادآوری کنیم! بناء ما این است که این مباحث به ما نفع برسانند، تا اینکه در چارچوب این موضوع بسیار مهم دچار حیرت و سرگردانی نشده و غانم و سالم از آن خارج گردیم، چراکه مردم بسیاری در فهم این موضوعات دچار کج روی و انحراف گشته اند، انحرافاتی که همانا الله و رسولش و أئمه دین از آنها باز داشه اند، بدانید که؛ بهترین توصیه ها، توصیه های الله و رسولش است.

و باید بدانیم؛ درهنگام قضاوت و رای دادن بر مردم و حکم دادن، باید جانب علم شرعی و انصاف و عدالت را رعایت نمود، شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله تعالی می فرماید: ((واجب است که کلام در مورد مردم با علم و عدل باشد، نه با جهل و ظلم؛ همانند احوال اهل بدعت که اینگونه اند)).

علما می گویند : " هر کس بگوید ؛ همانا فلان کس از خوارج است و از اثبات آن ناتوان باشد، به گونه ای که؛ اصولی از اصول خوارج را نتواند در او ثابت کند و سپس استدلال بکند به احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد خوارج علیه آن شخص یا اشخاص و دور کردن مردم از آنها، بدون اینکه ثابت کند که او از خوارج است، پس او داخل در عموم لفظ این حدیث صحیح و متواتر از پیامبر صلی الله علیه وسلم می شود؛ ((هر کس عمداً بر من کذب ببندد پس جایگاهش در آتش ماندگار می شود))، چراکه چنین شخصی با استدلال غلط و بیجا به احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم و قرار دادن این احادیث در غیر موضعشان، نوعی دروغ بر رسول الله صلی الله علیه و سلم بسته است، پس باید از مردمی که بدون دلیل و برهان و حجت در این مسائل سخن می گویند، دوری کرد."

رسو ل الله صلی الله علیه وسلم : ((هر کس چیزهای در مورد مسلمانی بگوید که در او نباشد، الله او را در چاله های خواری می افکند تا اینکه دست از تهمت زدن او بردارد)).

"فصل"

"نکوهش افراط و غلو"

بدان که خداوند ما و شما را رحمت کند و موفق به علم و عمل گرداند؛ انصاف با ارزش ترین لباسی است که مدعی علم باید آن را به تن کند، همانطور که گفته شده: "الإنصاف حلة الأشراف: انصاف لباس اشراف است".

و بدان که؛ دین الله میانه بوده و راه آن مستقیم می باشد و هر کسی که از آن کج شود در آتش می افتد، آتش گمراهی و جهل در دنیا، و آتش عذاب جهنم در آخرت، همانطورکه گفته شده: "من شذّ شذّ فی النار: هرکس کج شود، در آتش می افتد".

همانا الله سبحانه و تعالی، رسول الله صلی الله علیه وسلم را مبعوث کرد و با هدایت و دین حق به کل ادیان غلبه داد، تا بلکه مسلمانان در این منهج میانه حرکت کنند و به پیامبرشان صلی الله علیه وسلم، اقتداء کنند بخاطر همین است، الله سبحانه تعالی در هر رکعتی از نمازمان ما را امر کرده است تا فاتحة الکتاب خوانده و از ایشان طلب نماییم که؛ " اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ - صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ: ما را به راه راست هدایت فرما، راه آنان که گرامی‌شان داشته‌ای و نعمت عطایشان کرده ای، نه [راه] مغضوبان، و نه [راه] گمراهان".

بلکه صراط مستقیم، صراطی است که به وضوح آشکار است و هیچ کجی وغلو در آن نیست بلکه نقطه مقابل غلو و گمراهی است ، نقطه مقابل یهود ونصاری، یهودی که عالمانه گمراه شدند و نصاری که جاهلانه گمراه شدند و هر دو مورد غضب الله متعال قرار گرفتند.

اما اتباع رسول الله صلی الله علیه وسلم آنهایی که علم دارند و عمل می کنند و ایمان آورده اند و مصدر دینشان هوی و هوس نیست تا اینکه دچار غلو شوند بلکه مصدرشان کتاب و سنت است و بس!، از ابن مسعود رضي الله عنه روایت شده است که :" خط لنا رسول

الله صلى الله عليه وسلم خطاً فقال: هذا سبيل الله ثم خط خطوطاً عن شماله وعن يمينه ثم خط خطوطاً صغيرة عن شمال هذا الخط وعن يمينه ثم قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : هذا سبيلي أشار إلى الخط الطويل وقال : هذا سبيلي وهذه سبل على كل سبيل منها شيطان يدعوا إليه ثم تلا { وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ وَلاَ تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ "؛ رسول الله صلى الله علیه و سلم برای ما خطی کشید و فرمود: این راه الله است! سپس از چپ و راست این خط، خطوطی دیگر رسم کرده و سپس در چپ و راست این خط وسط، خطوطی کوچک کشید، سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم اشاره به خط بزرگ و مستقیم نموده و فرمود: این راه من است و خطوط دیگر راه هایی هستند که شیطان به سوی آنها دعوت می دهد! سپس این آیه را تلاوت فرمود: {و این راه مستقیم من است پس از آن تبعیت کنید و از راه های گوناگون پیروی نکنید چراکه گمراه می گردید، به این شما را وصیت می کند تا بلکه تقوا پیشه کنید}. پس بدانید که اگر دولت اسلام با دشمنان الله و رسولش جنگیده و انها را در هم می کوبد، به معنی اینکه آنها اهل غلو و افراط هستند نیست، بلکه مردم امروزه از روی شدت جهالت و عمل نکردن به شریعت، هر کس را که به احکام شریعت، ملتزم بوده و به آن درست عمل نماید را تندرو و یا خوارج و یا افراطی و تروریست می نامند! یکی از مصادیق واضح غلو و افراط این است که تو بدون هیچ دلیل و برهانی دسته ای بزرگ از مسلمین را خوارج و یا اهل غلو بدانی!! پس بر حذر باش!!

"فصل"

"غلو در امت های قبل"

پس بدان الله رحمتت کند؛ اولین چیزی که مسلمانان در آن دچار اختلاف شدند، مساله " احکام وعید" بود، احکام وعید یعنی مسائل مربوط به تکفیر و تبدیع و ..، خوارج عهده دار اولین بدعت در این موضوع گشتند، و بر اساس غلو خود در این موضوع، مسلمانان و صحابه را تکفیر به نا حق کردند. غلو ازعلت هایی است که مردمان قبل ما به سببش دچار تحریف در دینشان شدند و هلاک گشتند! ، غلو از مرض های قدیم است که اکثر امت های ماقبلمان دچار آن شدند و هلاک گشتند.

شیخ الاسلام ابن تیمیة رحمة الله علیه میفرماید: بر شماست که غلو در دین نکنید، و از همه انواع غلو در اعتقادات و اعمال دوری کنید. (اقتضاء صراط المستقیم ص288)

پیامبر صلی الله علیه و سلم نیز در احادیث بسیاری امتش را از غلو نهی کرده است، زیرا ایشان نمی خواهد امتش هلاک شده و شقاوت نصیبشان گردد، بلکه خواستار سعادت برای امتشان هستند.

و همنچنین از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده که؛ رسول الله صلی الله علیه سلم می فرماید: (ای مردم بر شماست که در دین غلو نکنید همانا کسانی که قبل از شما بودند با غلو در دین نابود شدند) روایت ابن ماجه، آلبانی آن را صحیح دانسته است.

در صحیح مسلم از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: (مُتَنَطِّعُون نابود شدند و سه بار تکرار کردند)

امام نووی رحمه الله می فرماید : المتنطعون از غلو کنندگان و تجاوز کنندگان از حد در سخن هایشان و کردارهایشان هستند.

"فصل"

"تعریف غلو و انواع آن"

غلو از لحاظ لغوی؛ افراط و تجاوز از حد است.

اما از نظر اصطلاحی به؛ خروج از منهج و تجاوز از حد، و عمل به چیزی که الله سبحانه و تعالی و رسولش صلی الله علیه و سلم به آن اجاز ه نداده است، گفته می شود. الله سبحانه و تعالی می فرماید:[وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِّتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ۗ وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّن يَنقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ ۚ وَإِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ ۗ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ]؛ همان‌گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امت میانه‌ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط؛) تا بر مردم گواه باشید؛ و پیامبر هم بر شما گواه است.

و ما، آن قبله‌ای را که قبلا بر آن بودی، تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می‌کنند، از آنها که به جاهلیت بازمی‌گردند، مشخص شوند. و مسلماً این حکم، جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده، دشوار بود. (این را نیز بدانید که نمازهای شما در برابر قبله سابق، صحیح بوده است؛) و خدا هرگز ایمان [= نماز] شما را ضایع نمی‌گرداند؛ زیرا خداوند، نسبت به مردم، رحیم و مهربان است.(البقره/ ۱۴۳)

اما متاسفانه در این امت مبارک هم، طائفه های دچار غلو شده اند و سبب این غلو، جهلشان به حقیت دین و مقاصدش و قواعدش بود بارزترین مثال برای تند روی و غلو همان خوارجند، خوارج اولین فرقه از این امت است که دچار غلو شده اند و از دین بسبب غلو خارج شدند همانطوریکه تیر از کمان خارج می شود. واین تندی و غلوشان اولین بار در امت سبب شد صحابه کرام را به ناحق تکفیر کنند و سپس جنگ هایی با صحابه و سلف نمایند.

حال سوال اینجاست؛ کسانی که علیه دولت اسلام سخن گفته و آن را متهم به غلو و افراط و خوارج بودن می کنند، بگویند که؛ دولت اسلام در چه حدی از حدود شرع تجاوز کرده است؟ کدام صحابه از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم را تکفیر نموده اند؟ کدام مرتکب گناه کبیره را کافر دانسته اند؟، یا اینکه؛ تکفیر مرتدین و اهل دموکراسی و الحاد، و تکفیر کسانی که برای بنا کردن دولت مدنی و دموکراسی، افراط بوده و جزو اصول خوارج است؟ و یا اینکه تکفیر اعضای مجلس ائتلاف سوری و مجلس عسکری سوری و اعضای مؤتمر ریاض و مؤتمر ژنو و مجالس کفر و ارتداد دیگر، جزو غلو است و از اصول خوارج به شمار می رود؟.. جوابتان چیست؟.. خواهشا از روی علم جواب دهید!

"فصل"

"معنای خوارج و تعریف آن"

خوارج: جمع خارج شونده است، قومی گمراه و مبتدع هستند و از راه مستقیم اسلام و سنت کج شده و منحرف گشته اند و بیرون از راه مستقیم سنت می باشند، به همین خاطر به آنان خوارج گویند، و یا به خاطر اینکه؛ از دین حق خروج کرده اند! و یا هم به خاطر؛ خارج شدن از طاعت اولی الامر و حکام مسلمان.

اصل خوارج در زمان عثمان رضی الله عنه و علی رضی الله عنه خارج شدند اما ریشه آن در زمان رسول الله علیه وسلم پدیدار گشته بود.

از أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضی الله عنه، روایت شده که: {بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ يَقْسِمُ قَسْمًا إِذْ جَاءَهُ ابْنُ ذِي الْخُوَيْصِرَةِ التَّمِيمِيُّ ، فَقَالَ : اعْدِلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنَّكَ لَمْ تَعْدِلْ . قَالَ : " وَيْلَكَ فَمَنْ يَعْدِلُ إِذَا لَمْ أَعْدِلْ " , قَالَ عُمَرُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ائْذَنْ لِي فَأَضْرِبْ عُنُقَهُ ، قَالَ : " دَعْهُ , فَإِنَّ لَهُ أَصْحَابًا يَحْتَقِرُ أَحَدُكُمْ صَلاتَهُ مَعَ صَلاتِهِمْ وَصِيَامَهُ مَعَ صِيَامِهِمْ ، يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ لا يُجَاوِزُ تَرَاقِيَهُمْ يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ}؛ هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و سلم غنائم را تقسیم می کرد، ابن ذی الخویصرة تمیمی آمد و گفت: ای پیامبر خدا عدالت کن! رسول الله صلی الله علیه و سلم به او گفت: وای بر تو اگر من عدالت نکنم پس چه کسی عدالت خواهد کرد؟، عمر گفت: یا رسول الله اجازه بفرما تا گردنش را بزنم! ایشان فرمودند: رهایش کنید! او همراهانی دارد که شما نماز خود را کنار نماز انان روزه خود را نزد روزه های آنان ناچیز می شمارید، قران تلاوت می کنند ولی از گلوی آنان تجاوز نمی کند. از دین خارج می گردند همانطورکه تیر از کمان خارج می گردند.

این حدیث نشان دهنده ان است که ریشه های خوارج در زمان رسول الله صلی الله علیه و سلم موجود بوده است اما زمان ظهورش به هنگام خلافت علی رضی الله عنه بود که این قوم گمراه سبب جنگهای جمل و صفین شدند. نکته ای مهم که در این حدیث لازم است به آن اشاره ای کنیم این است؛ در لفظ حدیث آمده است ؛ (يَحْتَقِرُ أَحَدُكُمْ صَلاتَهُ مَعَ صَلاتِهِمْ وَصِيَامَهُ مَعَ صِيَامِهِمْ)؛ هر کدام از شما نمازش را در مقایسه با نماز خوارج و روزه خود را با روزه انها ناچیز می شمارد، مخاطب لفظ (أَحَدُكُمْ) صحابه می باشد، یعنی صحابه نماز و روزه و عبادات خود را در کنار عبادات خوارج ناچیز می شمردند! حال اینکه کثرت عبادت و زهد صحابه از واضحات است! نه اینکه کسی فقط نمازهای پنجگانه اش را بخواند و روزه رمضان را فقط به جای می آورد و در مقابل کسی که همگی نماز فرض و نفل را به جای آورده و علاوه بر فرض روزه، بر روزه های سنت نیز پایبند می باشد، بگوید که عبادات ما در مقایسه با عبادات فلان کس ناچیز است! پس او خیلی نزدیک به خوارج است!!، شیخ شهید – باذن الله – فارس آل شویل الزهرانی تقبله الله در آخرین کتابش " الجواب المسدد لمن بدل دین الرسول محمد صلی الله علیه و سلم، آل سعود الضالة؛ خیانة شرع و خداع شعب و اذلال امة " در رفع اتهام از خود و مجاهدین به این نکته نیز اشاره کرده است. عبادات مجاهدین دولت اسلام نیز همانند سائر مسلمین می باشد، در آن نه تنها بدعتی ایجاد نکرده اند بلکه افراط نیز نکرده و مثل کثیری از مردم نیز از نوافل عبادات شانه خالی نکرده اند! برخی ایمان خود

را با ایمان داشتن به دموکراسی و مدنیت و نصرت مرتدین علیه موحدین، از دست داده اند و به صورت فجیعی کند روی می کنند ولی مجاهدین دولت اسلامی که به سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم و عقیده اهل سنت و جماعت تمسک کرده اند را متهم به تند روی و افراط می کنند.. عجبا!

"فصل"

"فرقه های خوارج"

اما خود خوارج به فرقه های مختلفی تقسیم شده اند که دارای عقاید و بدعتهای خاص خود می باشند، اصل خوارج این فرقه ها می باشد:

1-الازارقه 2-النجدات 3- عجاردة 4- اباضية و فرق دیگری نیز می باشد که برای تفصیل آن به کتب؛ الملل وانحل ابن حزم و مقالات الاسلامیین اشعری و الفصل شهرستانی مراجعه کنید.

منهج خوارج دارای یک دوره مشخص تاریخی نمی باشد که ظهور وآثار مخرب آن را در یک دوره و عصر تاریخی به مطالعه بگیریم بلکه خوارج برمبنای اخلاق و غلوشان در هر عصر شناخته می شوند به طوریکه جماعتی به صورت متفرق از آنها در یک دوره ظاهر می شوند وبعد از آن از بین می روند تا قرن دیگر دوباره ظاهر می شوند و باز از بین می روند تا اینکه آخرین آنها با مسیح دجال ظهور خواهد کرد و علیه مؤمنین به قتال می پردازند، اگر در حال و وضع جنود طواغیت و خود طواغیت تامل کنی، می بینی که تمامی اصول و منهج خوارج در آنها هویداست حتی در سیمای ظاهری خوارج نیز با آنان شباهت دارند، و هیچ بعید نیست بلکه از مسلمات است اگر فردا دجال ظهور کند، دجال و سپاهش را علیه مجاهدین و دولت اسلام نصرت خواهند داد!!

همانطوریکه رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: {یخرج ناس من قبل المشرق ویقرءون القرآن لا یجاوز تراقیهم یمرقون من الدین کما یمرق السهم من الرمیة ثم لا یعودون فیه حتی یعود السهم إلی فوقه قیل ما سیماهم قال سیماهم التحلیق أو قال التسبید}؛ مردمی از طرف مشرق خارج شده و قرآن می خوانند ولی از حلقوم آنها تجاوز نمی کند سپس همچون خروج تیر از کمان از دین خارج می گردند و به آن بر نمی

گردند تا اینکه تیر به بالای کمان برگردد، گفته شد؛ سیمایشان چگونه است؟ فرمودند: سیمایش کچل و تراشیده شده است.

ابن تیمیه رحمه الله در مجموع الفتاوی (495/28) می فرماید : (آنها (یعنی خوارج) پیوسته تا هنگام خروج دجال ظهور می کنند و مسلمانان به این امر اجماع کرده اند که خوارج صرفا در همین گروه (در زمان حضرت علی رضی الله عنه) خروج کردند خلاصه نشده اند و همچنان در دین در دین دارای صفات و فضائل نمیباشند و از همین جهت صحابه این احادیث را به صورت مطلق حمل کرده اند و خوارج گروهی هستند که ذم و تحذیر از آنها و اجتناب از انها از شرشان به زبان نبی صلی الله علیه و سلم و جمیع صلف صالح وارد آمده بطوریکه نسبت (الخوارج کلاب اهل النار) به آنها می دهد یعنی اینکه خوارج سگ های اهل آتش هستند .

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: (سیخرج قوم في آخر الزمان ، حداث الأسنان ، سفهاء الأحلام ، يقولون من خير قول البرية ، لا يجاوز إيمانهم حناجرهم ، يمرقون من الدين كما يمرق السهم من الرمية ، فأينما لقيتموهم فاقتلوهم ، فإن في قتلهم أجرا لمن قتلهم يوم القيامة)

اگر گفته شود خوارج را مشخص کنید یا اینکه شخصی، جماعتی یا گروهی را به خوارج بودن نسبت دهد آیا درست یا نه ؟

درجواب می گوییم : از صلاحیت هیچ فردی نیست که هر گونه که بخواهد یک تعداد از افراد را داخل منهج خوارج بسازد و گروهی را از صفت خوارج بودن برائت دهد بدلیل آنکه اصل در شریعت اسلام ثابت می باشد و خوارج از اصول و اخلاق و رفتارشان و... شناخته می شوند بنابراین هر کس از اصول و اخلاق و ... خوارج پیروی کند از جمله از خوارج می باشد هر چند که اسم خوارج را ازخود بردارد و نیز از خوارج برائت خویش را اعلام کند خود را به ظن خود اهل سنت بنمایاند و برعکس هر کسی که به اصول و اخلاق خوارج متصف نباشد و از اصول انها پیروی نکند پس از جمله خوارج نمی باشدهر چند بعضی آنها را متهم به خارجی بودن کنند و آنان را از جمله خارجی بودن متهم کنند ، پس مهم آنست که شخص و همچنان جماعات و تنظیمات باید خودشان را در مقایسه با اخلاق و صفات و اصول خوارج قرار دهد تا اینکه ببینند آیا با خوارج در امری از امور مشابهت دارد یا نه؟ پس منهج حق را که اهل سنت و جماعت بر ان قرار دارند برای خویش جستجو کند و از آن پیروی کند .

"فصل"

"ریشه ی اصول و منهج خوارج"

حالابه مهترین و برجسته ترین اصول خوارج و اخلاق به صورت مختصر اشاره می کنیم .

شیخ الاسلام رحمه االه تعالی می فرماید: ((اَصْلُ بِدْعَتِهِمْ أَنَّهُمْ لَا يَرَوْنَ طَاعَةَ الرَّسُولِ وَاتِّبَاعَهُ فِيمَا خَالَفَ ظَاهِرَ الْقُرْآنِ عِنْدَهُمْ وَهَذَا تَرْكُ وَاجِبٍ)) ؛ اصل بدعت خوارج این بود که در مساله ای که ظاهرا با ظاهر قران اختلاف داشت از رسول الله صلی الله علیه و سلم اطاعت نمی کردند، و این ترک واجب است.

و همچنین می فرماید : ((أَصْلُ الْبِدَعِ فَأَصْلُ قَوْلِ الْخَوَارِجِ أَنَّهُمْ يُكَفِّرُونَ بِالذَّنْبِ، وَيَعْتَقِدُونَ ذَنْبًا مَا لَيْسَ بِذَنْبٍ، وَيَرَوْنَ اتِّبَاعَ الْكِتَابِ دُونَ السُّنَّةِ الَّتِي تُخَالِفُ ظَاهِرَ الْكِتَابِ - وَإِنْ كَانَتْ مُتَوَاتِرَةً - وَيُكَفِّرُونَ مَنْ خَالَفَهُمْ وَيَسْتَحِلُّونَ مِنْهُ لِارْتِدَادِهِ عِنْدَهُمْ مَا لَا يَسْتَحِلُّونَهُ مِنْ الْكَافِرِ الْأَصْلِيِّ كَمَا قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيهِمْ {يَقْتُلُونَ أَهْلَ الْإِسْلَامِ وَيَدَعُونَ أَهْلَ الْأَوْثَانِ} وَلِهَذَا كَفَّرُوا عُثْمَانَ وَعَلِيًّا وَشِيعَتَهُمَا؛ وَكَفَّرُوا أَهْلَ صفين - الطَّائِفَتَيْنِ - فِي نَحْوِ ذَلِكَ مِنْ الْمَقَالَاتِ الْخَبِيثَةِ))؛ اصل بدعت خوارج این است که با گناه مردم را تکفیر می نمودند، و چیزی را که گناه نبود، گناه می انگاشتند، معتقد هستند که اگر سنت با ظار قران مخالفت داشته باشد نباید از آن پیروی نمود!!هرچند که متواتر باشد، مخالفین خود را تکفیر کرده و استحلالی از او می کنند که از کافر اصلی آن استحلال را نمی کنند!! همانطورکه پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید؛ {اهل اسلام را می کشند و اهل کفر را رها می سازند} برای همین است کنه علی و عثمان و اتباع این دو رضی الله عنهم را تکفیر نمودند، خوارج اعتقادات خبیثانه ی اینگونه دارند!!

و همچنین می فرماید : ((وَالْخَوَارِجُ جَوَّزُوا عَلَى الرَّسُولِ نَفْسِهِ أَنْ يَجُورَ وَيُضِلَّ فِي سُنَّتِهِ وَلَمْ يُوجِبُوا طَاعَتَهُ وَمُتَابَعَتَهُ وَإِنَّمَا صَدَّقُوهُ فِيمَا بَلَغَهُ مِنْ الْقُرْآنِ دُونَ مَا شَرَعَهُ مِنْ السُّنَّةِ الَّتِي تُخَالِفُ - بِزَعْمِهِمْ - ظَاهِرَ الْقُرْآنِ))؛ خوارج بر رسول الله صلی الله علیه و سلم ظلم کردن را ممکن دانسته و می گویند که امکان دارد ایشان در سنتش که با ظاهر قران مخالف است، اشتباه و ظلم نموده باشد.

"فصل"

"اصول و صفات خوارج"

برای اطلاع بیشتر از این مساله و استفاده گسترده از این موضوع به منابعی همچون (مقالات الاسلامیین) و (الملل و النحل) و (الفصل) و (الفرق بین الفرق) مراجعه نمایید، اما اصول و منهج خوارج به صورت کلی عبارتند از:

1-خوارج بر تکفیر علی بن ابی طالب اجماع دارند .

2-تمامی خوارج به جز فرقه نجدات اجماع بر کفر مرتکب گناه کبره دارند .

- ✓ خوارج نجدات کسی که بر روی گناه کبیره اصرار می کند را تکفیر می کنند، ولی فرق دیگر خوارج قبل از اصرار هم تکفیر می کنند!!

3- اجماع بر اینکه خداوند مرتکب گناه کبره را عذاب دائمی می دهدی به جز نجدات .

4-فرقه الأزارقه می گوید : که هر کس به سوی آنان هجرت نکند کافر است .

5-الأزارقه رجم را حرام وآن را انکار می کنند.

چون می گویند در قران چنین حکمی وجود ندارد.

6- الأزارقه می گویند: کسی که در دار الکفر مانده کفری مرتکب شده و چاره ای جز خروج ندارد!!

7-سخن انان در توحید بمانند معتزله است .

8-و همچنین بماند معتزله قائ به خلق قرآن هستند

9- و در وعید نیز همان سخن معتزله را می زنند .

10-آنها انکار امامت عثمان رضی الله عنه و علی رض الله عنه را می کنند .

11- عذاب قبر ار انکار می کنند .

12-ایمان را چیزی ثابت می بینند که نه زیاد می شود نه کم .

این گفته خوارج مانند گفته مرجئه است که ایمان نه زیاد می شود ونه کم می شود بلکه فقط یک تیکه و یک اصل است که با شرک و کفر حتی کبیره از بین می رود لازمه این حرف این است که ایمان یک شخص عادی مسلمان همانند ایمان انبیاء و ملائکه است .

13-همه اعمال را شرطی برای صحت ایمان می دانند .

14-مانند جهمیه اسماء و صفات را تحریف می کنند .

15-استواء بر عرش را اثبات نمی کنند بلکه آن را تحریف می کنند و به صفت استیلاء به جای استواء قائل هستند.

16-مانند رافضه به تقیه معتقد هستند .

17-برای گناهکاران شفاعت را انکار میکنند و فقط برای متقین و موحدین آن را اثبات می کنند .

شفاعت را جز برای متقین انکار می کنند چون مذهبشان تکفیر کبائر است و شفاعت رسول الله در مورد کبائر است در نتیجه منکر کبائر می شوند الا برای گروهی از امت چون ناچار مانده اند به نحوی اثبات کنند در نتیجه برای متقین موحد اثبات کرده اند که رد بهشت باعث افزایش درجات می شود، نسأل الله عفو و العافیه.

18- صورتهایشان در هم پیچیده است .

مو هایشان می تراشند این یکی از صفات آنها می باشد که در زمان صحابه برای متمایز شدن از صحابه این کار رو می کردند

19- قرآن را تلاوت ی کنند ولیاز حنجره هایشان پایین تر نمی رود .

یعنی قرآن را فهم نمی نند بلکه فقط می خوانند که این باعث غلوشان شده است .

20-اهل اسلام را می کشند و اهل بت برستی و شرک را ئامی گذارند .

اهل اسلام را تکفیر به ناحق و بدون هیچ دلیل کرده و خونهایشان راحلال میکنند و مرتد دانسته و در نتیجه جهاد با مرتد افضل تر و اولاتر از جهاد با کفار اصلی است در نتیجه اهل اوثان را رها کرده اند و قتال با مسلمانان مرتد به زعم خودشان می کنند .

21-به هنگام تفرقه بین مردم ظهور پیدا میکنند.

22- برعلیه بهترین فرقه خروج می کنند .

که در بعضی از اقوال؛ علیه همان طائفه منصوره است خارج می شوند .

23-سخنان آنها زیبا و اعمالشان زشت و منکر است.[1]

24- قریشی بودن برای خلیفه بودن را از شروط خلیفه نمی دانند و آن را انکار می کنند .

25-اجازه به خلافت و امامت زنان می دهند.

26- عبادت و زهد آنها زیاد است خشو عی سرد و بدون فهم، خشیتی از روی گمراهی .

27- اجازه خروج علیه أئمه مسلمین را می دهند.[2]

28- با ظن وگمان و شک و شبهه ها ی بدون اثبات تکفیر می کنند .

یکی دیگر از اصول خوارج این است بر اساس ظن و گمان و شک وشبهه تکفیر می کنند و نیازی به تبین و تثبیت نیست در حالیکه الله تعالی می فرماید :..

29- قائل به تسلسل در تکفیر هستند .

خوارج تسلسل در تکفیر را جایز می دانند که یکی از بزرگترین اصول و بدعت های خوارج است مثلا کسنی که علی رضی الله عنه را تکفیر نکرده اند هم تکفیر کردند و همینطور ادامه دادند و رد حالیکه اهل سنت وجماهت این اصول را بدعتی خطرناک تلقی می کنند.

30-اصل امت اسلامی را بر کفر و اتداد قرار می دهند .

31-قائل به تکفیر مردم به هنگام کفر حاکم هستند .

---

[1] . همانند این فصـــائل که نام های زیبا و خوب دارند ولی در عمل خلاف آن عمل کرده و با طواغیت علیه جهاد و مجاهدین تآمر می کنند، پس اینان مستحق تر هستند به صفت خوارج!!

[2] . گروهی از این فصائل برای اولین بار در تاریخ معاصر علیه امام مسلمین و حاکم دولت اسلامی خروج کردند، جبهه النصره با بردن نصف بیت المال و شکستن بیعت دولت اسلامی بر امام خروج کردند!!

32- چیزی را که کفر نیست کفر می انگارند و چیزی را که گناه نیست را گناه می پندارند .

35- بر پیامبر صلی الله علیه وسلم جور و ستم و دروغ را ممکن می دانند.

36- سخنی از پیامبر که با ظاهر قرآن در تضاد باشد را نمی پذیرند.

35. +شفاعت رسول الله صلی الله علیه وسلم که برای اهل کبیره است همانند رجم زانی و حد قذف را نیز انکار می کنند و می گویند اینها در قرآن نیامده است .

38-نماز جمعه و همچنین جماعات را ترک می کنند و بر کسی که احوالش پوشیده باشد نماز نمی گزارند . مستور الحال یعنی کسی که می دانیم که شخص مسلمان است ولی عقیده آن شخص برای ما مشخص نباشد خوارج پشت سر اینها نماز نمی خوانند تا اینکه از عقیده آنان اگاه شوند.

39-از متشابهات پیروی می کنند و تأویل می جویند و خواستا فتنه هستند.

الله متعال می فرماید: {هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ ۖ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ ۗ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ ۗ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ}؛ اوست کسی که این کتاب [=قرآن] را بر تو فرو فرستاد. پاره‌ای از آن، آیات محکم [=صریح و روشن] است. آنها اساس کتابند؛ و [پاره‌ای] دیگر متشابهاتند [که تأویل‌پذیرند]. اما کسانی که در دلهایشان انحراف است برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن [به دلخواه خود،] از متشابه آن پیروی می‌کنند، با آنکه تأویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند. [آنان که] می‌گویند: «ما بدان ایمان آوردیم، همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست»، و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود. (آل عمران / آیه 7)

40-قلبهایشان بمانند آهن سخت است .

بسیار خشک و شدید هستند و رحماء بینهم آنها بسیار ضعیف است ، درحالیکه الله تعالی می فرماید : {مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ۚ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ۖ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا ۖ سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ ۚ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ۗ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا}؛

محمد [ص] پیامبر خداست؛ و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می‌بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت [مشخّصه] آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است. این صفت ایشان است در تورات، و مثَل آنها در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستبر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده‌است. (سوره الفتح / آیه 29)

41- سگ های اهل آتشند ... بدترین کشته های زیر سقف آسمان هستند .. اگر آنها را یافتی آنها را بکشید ...خوش به حال کسی که آنها را بکشد یا به دست آنها کشته شود.

"فصل"

"تهمت به اهل سنت"

اما اهل سنت مظلوم ، اهل سنت ترک شده ، اهل سنتی که همیشه ثابت بوده وقتی که کفار و مرتدین نتوانستند ضربه ای به اهل سنت بزنند الا اینکه دست به اتهامات و تهمت های به اهل سنت زدند .

در هر زمانی به این طایفه اهل توحید وحق و جهاد تهمت زده شده است نه تنها به این طایفه بلکه به افراد این طایفه تهمت زده شده است مه زبان ناطق به این تهمت ها نیست .

افرادی همچون امام احمد رحمه الله و امام ابن تیمیه رحمه الله و امام ابن حزم رحمه الله محمد بن عبدالوهاب وغیره مورد این اتهامات گشتندبنام خوارج و حتی جمهور علمای زمان امام احمد بر خوارج بودن امام احمد بود اما امام احمد حق بود بلکه جماعت بود با اینکه تنها بود، اینها و امثالشان آب ریشه های دعوت انبیاء و صحابه کرام بودند و خواهند بود آری در کل زمانها دشمنان اهل ایمان آنان را به قبیح ترین اوصاف که نه حجه ونه برهانی برای این کارشان داشتند توصیف کردند.

يُريدونَ لِيُطفِئوا نورَ اللهِ بِأفواهِهِم وَاللهُ مُتِمُّ نورِهِ وَلَو كَرِهَ الكافِرونَ

آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران خوش نداشته باشند!

)سوره صف، آیه ۸(

يُريدونَ أَن يُطفِئوا نورَ اللهِ بِأَفواهِهِم وَيَأبَى اللهُ إِلّا أَن يُتِمَّ نورَهُ وَلَو كَرِهَ الكافِرونَ

آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند!

)سوره توبه، آیه ۳۲(

و در حالیکه این عداوت و کینه یک امر لازم برای اهل حق و ایمان است

وَكَذٰلِكَ جَعَلنا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ المُجرِمينَ ۗ وَكَفىٰ بِرَبِّكَ هادِيًا وَنَصيرًا

)آری،) این گونه برای هر پیامبری دشمنی از مجرمان قرار دادیم؛ امّا (برای تو) همین بس که پروردگارت هادی و یاور (تو) باشد!

)سوره فرقان، آیه ۳۱(

تأمل کن :پس هر کسی که صفتی یا خصلتی از طائفه ای داشت مثلاً خصلت منافقین ، منافق نیست و اسم ولقب منافقان را هم نمی گیرد بلکه خصلت منفقان را دارد تا اینکه جمع خصلت منافقین را داشته باشد

مثلا اینکه جمع خصائل و یا اصول معتزلی را نداشته باشد معتزلی نمی شود و یا اینکه تا اصول رافضه و یا خوارج را نداشته باشد رافضه و خوارج نمی شود .

مثلا قاضی عبد الجبار (یکی از علمای معتزلی) می گوید : هیچ کس معتزلی نمی شود تا اینکه در اصول خمسه معتزلی موافقت کند

و همچنین ابو الحسن خیاط در کتاب الانتصار می گوید :بر هیچکس مستحق نیست اسم معتزلی را بگیرد و الا اینکه این اصول خمسه(در وعد و وعید، توحید ، عدل، منزل بن المنزلتین ، وامر به معروف و نهی از منکر) را داشته باشد .

"فصل"

"انتساب به مذهب خوارج"

امام ابن حزم می فرماید:((من وافق الخوارج من انکار التحکیم و تکفیر الاصحاب الکبائر و القول علی خروج أئمةالجور وإن الأصحاب الکبائر مخلدا فی النار و أن الامامة جائزّ لغیر القریش فهو من الخوارج و من خالفهم لیس بخوارج))؛ هر کسی که با خوارج در تحکیم و تکفیر مرتکبین کبائر و خروج بر ائمه و اینکه مرتکبین کبائر در اتش جهنم جاوداننsee خلیفه می تواند غیر قریشی باشد او از خوارج است و مخالفش خوارج نیست.

حال دولت اسلامی به کدامیک از اصول خوارج معتقد است که این جاهلان آن را خوارج می دانند؟؟

سوالی که جوابش را منصفان و عقلاء بدهند!!

والحمدلله رب العالمین